

با درود

بنا بر حضور آقای دکتر داریوش همایون ، نویسنده ، روزنامه نگار و سیاستگر در کشور سوئد و شهر استکهلم و بر حسب توافق و تمایل ایشان فرصتی دست داده است تا دقایقی با طرح برخی سؤالات پیرامون مسایل سیاسی ایران و جنبش سبز ، از نظریات ، دانش و تجربه ی ایشان بهره مند گردیم

عالم زاده : آقای همایون درود بر شما

همایون : درود بر شما

عالم زاده : پیش از هر چیز از زمانی که به بنده دادید از شما سپاسگزارم ضمن اینکه حضور شما را در شهر استکهلم ، پایتخت کشور سوئد گرامی می‌داریم

عالم زاده : آقای همایون دیروز در تاریخ ۲۰۱۰/۴/۱۰ به دعوت جریان سیاسی " راه سبز امید " و پیرامون سمیناری که بر گزار گردید ، شما در استکهلم سوئد حاضر شدید و به عنوان یکی از سخنرانان این جریان به بیان نقطه نظرات خودتان در رابطه با مسائل جنبش سبز ، راه سبز امید و اوضاع و احوالی که در جریانات سیاسی ایران کمابیش همه ی ما شاهد آن هستیم پرداختید ، لطفا کمی در مورد " راه سبز امید " به عنوان برگزار کننده ی این سمینار توضیح بفرمائید

همایون : کوشش من در این بحث دیروز این بود که جنبش سبز را بهتر معرفی بکنیم و سو تفاهماتی که هست شاید برطرف بشود ، چون ما همه گرایش به این داریم که جنبش سبز را روی تجربه‌های خودمان و روی تصویری که خودمان از یک مبارزه ، از یک جنبش ، از یک حرکت داریم تعبیر بکنیم . من سعی کردم چنانکه در نوشته‌های متعدد کوششم این بوده است ، که نشان بدهم این جنبش سبز ارتباطی به هیچ یک از حرکات سیاسی ، به هیچ یک از فعالیت‌های گذشته ی ما ندارد . به کلی یک حرکت تازه ایست با امکانات تازه ، با وسائل تازه ، با روحیه ی تازه و اینست که باید اینرا آزاد از پیش داورهایمان قضاوت بکنیم و بهش نگاه بکنیم تا ابعادش را بهتر بفهمیم ، یک . و دو بتوانیم کمک بکنیم بهش ، به جای اینکه گمراهش بکنیم چون راه حل هایی که بسیاری عرضه می کنند روی همان سوابق ذهنی ی خودشان هست و این جنبش را از ویژگی‌هایش عاری می‌کند و در نتیجه بی اثر خواهد کرد ، یا دست کم سر در گمی پیدا خواهد شد . نکته ی اساسی در این جنبش سبز امید ، این است که حرکتی است به کلی خود جوش ، بدون رهبری ، بی آنکه بر گرد یک آدم ، یا یک حزب و یک گرایش معین شکل گرفته باشد ، بلکه به تدریج شکل گرفته ، به تدریج حالت خودش را پیدا کرده ، پیام خودش را پیدا کرده و وسایل خودش را پیدا کرده ، اسباب کار خودش را پیدا کرده. این جنبشی است که سازمان ندارد ، ولی به جای سازمان شبکه بندی اجتماعی دارد که با کمک تکنولوژی نوین فراهم شده است که سابقه ندارد در ایران و در بسیاری جاهای دیگر جهان . به همین ترتیب به جای اینکه از یک فرد ، از یک رهبر فرهمند پیروی بکند ، بر گرد یک گفتمان شکل گرفته است و اولین بار است که بعد از تاریخ مشروطه ی ایران و از انقلاب مشروطه ، چون آن انقلاب هم همینطور بود که نقش فرد در آن بسیار کم است ، ولی نقش گفتمان درجه ی اول است و بالا تر از همه است و بعد این گفتمان ، گفتمانی به کلی تازه ایست برای جامعه ی ایرانی ، درست است که حالا در انقلاب مشروطه ، اندک آشنایی هایی با این موضوع پیدا کردیم ، ولی در جنبش سبز ما این گفتمان را به کمال می بینیم و این گفتمان دموکراسی لیبرال است . و باز توضیح دادم ، چون جمع بیشتر از چپ گرایان تشکیل شده بود ، که از لیبرال وحشت نکنند . لیبرال در مفهوم اقتصادی اش مورد نظر نیست و در باره اش بحث زیاد است ، ولی لیبرالیسم سیاسی که خوب! سابقه اش بر میگردد به حقوق بشر ، به حق فرد انسانی ، به آزادی‌ها و می کشد از دو هزار و چهار سال پیش به اینطرف ، و آن اصلا ربطی به تصویری که چپ گرایان از لیبرالیسم دارند ، ندارد و به این ترتیب و به این تعبیر دموکراسی لیبرال ، شامل سوسیال دموکراسی هم می شود ، برای اینکه سوسیال

دمکرات‌ها اول لیبرال هستند بعد سوسیال هستند با تکیه بر مسئولیت بیشتر جامعه .

مسائلی بود که به نظرم رسید برای نشست دیشب لازم بود ، و نکته ی عمده ی دیگر در این بحث ، تفاوت گذاشتن میان راه سبز امید و جنبش سبز بود .

باز این دوتا را با هم مخلوط و در هم می‌آمیزند ، به این دلیل که نمی توانند تصور کنند که یک جنبشی باشد و یک عده آن بالای سرش نباشند و اداره اش نکنند و رهبری اش نکنند ، و این اشتباه است . این جنبش اصلا قدرتش در این است که می تواند و باید ! بدون چنان رهبری

کارش را انجام بدهد و راهش را پیدا بکند و در نتیجه گمراه نشود و دچار مصالحه‌های تاکتیکی ی روز که خوب! ناگزیر یک جریان سیاسی دارد ، نباشد و خلوصش را حفظ بکند . برای اینکه ؛ جنبشی که بر گرد یک گفتمان است ، این نمی‌تواند دائماً با مصلحت اندیشی ی روزانه آلوده بشود ، ولی یک جریان سیاسی که در کشاکش دائمی است با وضع موجود ، با قدرت موجود موجود ، باید اینگونه آزادی‌ها را داشته باشد . و باز یکی از اسباب قدرت بزرگ جنبش سبز همین تمایزیست که میان " راه سبز امید " هست با خود جنبش (سبز) ، و این بسیار مشکل بود دیشب ، هضمش به اصطلاح ، حتی برای ایه سخنانان . نمی‌توانند فکر کنند که یک جنبشی می‌تواند مستقل ولی در کنار یک جریان سیاسی قرار بگیرد . خوشبختانه این در ایران شده است ، حالا در بیرون درست متوجه نیستیم ! خواهیم شد . آنچه در ایران می‌گذرد این است که جنبش سبز با همه ی سخت گیری‌های حکومت که یک قلمش هجده هزار زندانیست که در این مدت این جنبش داده است و چند صد کشته و اعدامی و ترور شده و شکنجه‌های بیشمار در گوردهشت و امسال آنها ، زنده است و همچنان دارد پیش می‌رود در سطح و امور جامعه و ضرورت اینکه پیام جنبش و فعالیتش و ارتباطاتش گسترش پیدا بکند و لایه‌های بزرگتر اجتماعی را در بر بگیرد . یکی از دست آوردهای دیشب این بود که (به پیشنهاد یکی از سخنانان) این جنبش توجه بکند به حقوق اقوام ایران ، به حقوق فرهنگی و مدنی اقوام ایران که بسیار لازم است برای جنبش و در عین حال و در کنارش " راه سبز امید " باید آزادی عمل داشته باشد که ، چه در مبارزه ی با حکومت کنونی و چه در بازی کردن از درون دستگاه حکومتی بتواند نقش خودش را داشته باشد و من خودم یکی از هواداران و طرفداران جدی این اندیشه هستم که ، راه سبز امید باید نقش یک جایگزین را ، یک آلترناتیو را به اصطلاح در ایران در برابر حکومت احمدی نژاد به عهده بگیرد که دارد این کار را می‌کند و انتقاداتی که به حکومت می‌کند ، به وضع اداره ی کارها به فساد به سرکوبگری به بی عرضگی ی پر دامنه و سر تاسری ی دستگاه حکومتی . اینها نشانه ی آن است که راه سبز امید هم دارد راه خودش را پیدا می‌کند . به نظرم این مجموعه ی صحبت هایی بود که دیشب کردیم و امید ورم کمی وضع جنبش سبز را روشن تر ببینیم با این ترتیب

عالم زاده : آقای همایون یکی از مسائلی که دیشب (در سمینار) مطرح شد ، خصوصاً توسط یکی از سخنانان به عنوان یکی از محورهای اصلی بحثشان در نظر گرفته شده بود و بیان شد ، به نحوه ی گسترش جنبش سبز از مرکز به حاشیه‌ها اشاره کردند و در ارزیابی خودشان اینطور عنوان کردند که جنبش سبز آن نتیجه ی لازم و مطلوب را هنوز کسب نکرده است در گسترش خودش از مرکز و از شهرهای بزرگ به عموماً حاشیه‌ها که دور تر از مرکز هستند ، با آن خاصیت‌ها قابلیت‌ها که می‌دانیم هست و تفاوت آنها بین مرکز و حاشیه را از آن خاصیت‌ها و قابلیت‌ها ارزیابی می‌کنیم . شما در این مورد چه نظری دارید ؟ فکر می‌کنید چه راهی مانده و یا اینکه ما اساساً در کجای راه هستیم ، در کجای کار هستیم ؟

همایون : به نظر می‌رسد که دوستان ارزیابی‌شان بر اساس تظاهرات است . کجا تظاهرات است ! پس جنبش سبز آنجا نفوذ کرده است . نیست اینطور! برای اینکه تظاهرات نیاز به عوامل متعددی دارد که یکیش درجه ی نفوذ جنبش سبز است . باقی اش درجه ی کنترل دستگاه حکومتی است که در جاهای کوچکتر خیلی شدیدتر است ، بیشتر است برای اینکه همه ی مردم را می‌شناسند این است که نمی‌توانیم حکم قطعی بدهیم ولی حتی اگر این حرف درست باشد ، نباید فراموش کرد که از جنبش سبز ده ماه بیشتر نمی‌گذرد و ده ماه در بدترین شرایط ، نه در شرایط آزاد و نه حتی در شرایطی که برای انقلاب‌های مخملی اروپای شرقی فراهم بود در این سال‌های آخر ، این است که ناگزیر جنبش سبز کارش را با تانی باید انجام بدهد . عمده این است که فعلاً جنبش سبز مایوس نشوند ، نومید مثل بیرون نباشند که بگویند خب ! رفت ، نشد ، موفق نشدند و نمی‌توانند و نتوانستند ، اینها مال بیرون است ، در درون باید با همان روحیه ادامه بدهند برای اینکه زمینه ی کار جنبش سبز فراهم است . چرا فراهم است ؟ برای اینکه جمهوری اسلامی دستکم هشتاد درصد جمعیت را به کلی از خودش بیگانه کرده است و هر روز هم بر مشکلاتش اضافه شده و خواهد شد و این است که این زمین بسیار بارور است برای مبارزه ، برای فعالیت ، برای مخالفت و جنبش سبز تنها چیزیست ، تنها نیروییست که در ایران ، ما الان داریم برای اداره ی این مبارزه ، برای گسترش این مبارزه . باید زمان داد ، باید به جنبش سبز زمان داد ، و آن زمان هم خواهد آمد

عالم زاده : آقای همایون قریب به سی و یک سال از روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران می‌گذرد ، از همان ابتدا حکومتگران مبناء را بر نخبه کشی و بهره جستن از هر ابزاری برای معدوم کردن اندیشه هایی که می‌توانست کمک بکند به ایجاد اتحاد مردم ، به خرافه زدائی ، به بازشناساندن ماهیت و ذات حکومتگران و اساساً بردن مردم به آن سمتی که در نهایت بتوانند آن جامعه ی شهروندی را که در تعریف مدرنش کمابیش همه ی ما می شناسیم سوق بدهند و راهنمایی بکنند ، ضمن اینکه ما بسیاری از اندیشمندانمان را از دست دادیم از اعدام های انقلابی گرفته تا در جنگ هشت ساله ، اعدامها در زندانها ، فرار مغزها و مسائل از این دست ، از طرفی در کشوری زندگی می‌کنیم که وضعیت اینترنت ، ارتباطات ، ماهواره ، مسافرت‌های به خارج از کشور و آمدن خارجی‌ها به داخل و مسائل از این دست در قالب تعریف پل های ارتباطی بین تمدن‌ها و فرهنگ ها و اندیشه را نداشتیم ، امروز با توجه به همه ی آن محدودیت در آن کشور بسته فکر می‌کنید کدام فاکتورها و کدام الگوها مورد استفاده ی مردم ، خصوصاً جوانان قرار گرفته تا با اتکا به آنها این رفتار مدرن را از خودشان نشان بدهند ، که می بینیم که در جوامع غربی ، در جوامعی که لیبرال دموکراسی در آنها حکم فرماست مردم این حرکت ها را وقتی می‌بینند تحسین میکنند و حکم مدرن بودن این اندیشه و این رفتار را به مردم ما میدهند ؟

همایون : همین ارتباطات ، همین آسان بودن دسترسی به آگاهیست ! درست است جمهوری اسلامی آنچه توانسته برای شکستن کمر انتلکتوئل جامعه ایرانی کرده ، ولی از طرف دیگر آنقدر در عرض این سی سال در همه ی دنیا و به خصوص در ایران که مردم استعداد فوق العاده ای نشان داده اند برای استفاده از آخرین تکنولوژی ، خیلی ، ایرانی‌ها در این زمینه بسیار پیشرفته اند با اینکه محدودیت زیاد بوده است . توانسته این جامعه تولید بکند ، هر چه را که از دست داده است جبران بکند و زیاد تر هم بکند و بگیرد ، از بیرون بگیرد . علاوه بر این در یک دوره ی ده ساله به نظرم تعداد زیادی کتاب ، از زبان انگلیسی به خصوص ترجمه شد به فارسی که الان ذخیره ی فکری اصلی ی جامعه شناسی ایران است و از آنها استفاده می‌کنند ازش ، هر نوشته جدی که من می بینم با یک اشاره به یکی از این کتاب‌ها همراه است . از این بابت ما هیچ نگرانی نباید داشته باشیم ، با اینکه جمهوری اسلامی سعی می‌کند که ریشه ی اندیشه‌های تازه را بخشکاند ، مخصوصاً در علوم انسانی نهایت فشار را وارد آورده ، ولی مردم دسترسی دارند و جوانها می‌آموزند ، الگوهایشان هم جوامع غربی هستند ، آن دموکراسی لیبرال که من عرض کردم که گفتمان این جنبش است دموکراسی است که با اعلامیه ی جهانی حقوق بشر محدود شده است ! لیبرال‌ش آن تکه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است و این را همه ی این توده بزرگ جنبش سبز می فهمد و می‌خواهد . الگوهای نسل گذشته که یا در اروپا ی شرقی بود یا در کوبا بود یا در چین بود ، اینها فراموش شده به کلی ، یا در جامعه ی اسلامی قرن اول ، اینها به کلی ارزشش را برای جامعه ایرانی از دست داده است ، حالا ممکن است لایه‌های باریک عقب افتاده ای هنوز از این حرف‌ها بزنند ولی توده ی اصلی مردم می خواهند مثل اروپایی‌ها ، مثل آمریکائی‌ها زندگی بکنند . یکی از شگفتی‌های روزگار این است که رژیم اسلامی دائماً مرگ بر آمریکا می‌گوید و تمام ایرانی‌ها چشمشان به آمریکا است که بروند در آمریکا زندگی بکنند . نه! زور جمهوری اسلامی از این بابت به این جامعه نخواهد رسید

عالم زاده : آقای همایون ، پیشتر از شما شنیده ایم که فرمودید ، انقلاب پنجاه و هفت را یک انقلاب نالازم می‌دانستید . اگر مردمی را که امروز در خیابان‌ها می بینیم ، جوانانی که امروز در خیابان‌ها در قالب جنبش سبز یا جنبش های دیگر اعتراضی فعالیت می کنند را مدّ نظر قرار بدهیم ، با این روحیه اگر این مردم در سال پنجاه و هفت زندگی می کردند آیا فکر می‌کنید که دست به آن انقلاب می‌زدند یا نه ؟ البته منظورم صرفاً بررسی روحیات مردم است بدون در نظر گرفتن تجارب و مصیبت‌های این سال‌ها که الالقاده این کار را نمی‌کردند ، با توجه به روحیات ، دانش ، بینش و زاویه ی دیدی که مردم ، خصوصاً جوانان در ایران دارند فکر می‌کنید این کار را می کردند ؟

همایون : غیر ممکن است ! که مردم این آگاهی‌ها را می داشتند و دست به آنهمه حماقت باز هم می‌زدند . سی سال پیش حقیقتاً یک جامعه ی به کلی بیمار شده بودیم و آماده ی پذیرفتن هر خرافه ای و هر حرف یاهو ای . و وقتی قهرمانان فکری یک جامعه بشوند شریعتی و آل احمد و فرید و امسال اینها ، خوب ! معلوم است ، نتیجه همین است که دیدیم ، و

شخصیت بزرگ تاریخی ی امام اش بشود خمینی . ولی الان صرف نظر از تجربه ی این مدت که شما اشاره کردید ، نه ! امکان نداشت . ولی من از بسیاری انقلابیون سابق ، بسیارپیشان شنیده ام که اگر می دانستیم ، اگر آدمهای امروز بودیم ، آن موقع از این کارها نمی کردیم

عالم زاده : در حال حاضر شاهد این هستیم که تشکل هایی در قالبهای مختلف در ایران شکل گرفته و می بینیم که جریانات پررنگ و تاثیر گذاری مثل کمپین یک میلیون امضا که فعالیتی است از خانمها دارد کار می کند و کم نیستند از این دست اتفاقاتی که دارد می افتد . نقش خانمها ، نقش بانوان را کلا در جریانات اخیر ، در خیزشهای مردم ، در جهشهای جامعه ی شهروندی کنونی ایران اگر بخواهید یک مقایسه ای بکنید با آنچه که در بهمن پنجاه و هفت اتفاق افتاد و حواشی آن ، چگونه ارزیابی می کنید ، وضعیت بانوان را و میزان دخالت و تاثیر گذاریشان را بر روند جریانات ؟

همایون : خانمها بزرگ ترین بازنده ی انقلاب اسلامی بودند ، برای اینکه خیلی سخت پیوستند به جریان انقلابی و بیش از همه آسیب دیدند در اثر انقلاب و زود متوجه شدند که چه اشتباهی کرده اند . در همه ی این سی ساله خانمها در صف اول مبارزه با جمهوری اسلامی بوده اند ، تردید نیست ! حالا چه در دانشگاه ، چه در سطح جامعه ، سطح عمومی جامعه . اما جنبش سبز اصلا یک ویژگی ی زنانه پیدا کرده است ، یکی از نقاط قوتش این است که یک عنصر زنانه پیدا شده است . نه اینکه حالا زنان درش فعال هستند ، زنان در همه جنبشها فعال بوده اند ولی حال و هوا و نگرش زنانه ای دارد ، یک لطافتی ، یک تعادلی ، یک مهربانی ای وارد این جنبش کرده اند خانمها و ، در مردها می دانید ، همه ی مردها یک رگه زنانه دارند و بلعکس ، این تاثیر خانمها مردها را هم یه خرده انسانی تر کرده است . این است که جنبش خیلی امروزی خیلی عمیقی است است که فکر نمی کنم با زور بشود سرکوبش کرد و از بینش برد ، برای اینکه از درون روان یک جامعه بیرون آمده و دارد رشد می کند

عالم زاده : آقای همایون ، اگر بخواهیم بپردازیم به نقش خارج نشینان ، یعنی کسانی که مثل ما در خارج از کشور زندگی می کنند و به هر حال قلبشان برای آن مملکت می تپد و میل دارند که به هر طریقی با آن جریان همسویی و همراهی داشته باشند ، اولاً خواهش می کنم بفرمائید که بهترین و مفیدترین نقشی که خارج نشینان در تأثیری که روی این جریان میتوانند داشته باشند چه چیزی هست ؟ و بیشتر از شما شنیدم که به دو دسته تقسیم کرده اید . سیاست سازان و سیاست بازان . سیاست سازان که الالقاده تکلیفشان مشخص است . آن کسانی که در این بین سیاست بازی میکنند و قصد سو استفاده از جریانات اخیر را دارند ، فکر می کنید که از چه طرقی می شود که آنها را شناخت و تشخیص داد که به بیراهه می روند و به بیراهه می برند ؟

همایون : نه ! حالا با این نگاه نباید نگریم به قضیه . لزوماً سوء استفاده نیست ، اما این گرایش طبیعی هست در آدمها که هر جریانی را به سود خودشان بچرخانند . دیشب هم من این صحبت را کردم که اگر در درون، ما می بینیم که مرزها دارد برداشته می شود و همه دارند همگرا میشوند ، به اصطلاح ، نباید در بیرون این جنبش را تکه تکه بکنیم . و گفتم که در همین شهر استکهلم پنج سازمان گوناگون ، پنج تشکیلات ، حالا رسمی و غیر رسمی گوناگون دارند فعالیت می کنند برای جنبش سبز و این معنی ندارد . جنبش سبز یکی بیشتر نیست . و یا مثلاً توصیه کردم که اگر کسانی به عنوان پشتیبان راه سبز امید دارند فعالیت میکنند ، کارشان عبث است برای اینکه آن کاری که راه سبز امید در ایران دارد می کند و باید بکند ، اینها در استکهلم

نمی توانند بکنند ، اینها بهتر است همان به جنبش سبز کمک بکنند . ولی به نظر مساله زمان است ، حل خواهد شد ، متوجه خواهند شد که نتیجه ندارد . تمام این فرمول هایی که پیشنهاد می کنند ، آخرش به آنجا می رسد که عده ی زیادی را نمی توانند جمع بکنند برای اینکه یک پیام بیشتر نیست و آن دموکراسی لیبرال است و ما نمی توانیم انتخابات را به جای این بگذاریم ، رفرا دوم را به جای این بگذاریم ، یا هر چیز دیگری را ، یا سکولاریسم را به جای این بگذاریم . چون دموکراسی لیبرال شامل همه ی این حرفها هست ، در بر گیرنده ی همه ی این حرفها هست . در حالی که در ایران همه ی این خواست ها را دارند ما در بیرون بگوئیم یکی اش شاید مهم است به اسم اینکه با این همه را می شود جمع کرد ، درست ،

ولی چون نمی‌شود باطل خواهد شد . این است که بهتر است این مرزها در بیرون هم از بین برود ولی نرفت هم نرفت چون اصل کار در ایران است

عالم زاده : آقای همایون در پایان از شما ضمن اینکه تقاضا می‌کنم یک جمع‌بندی بفرمائید ، می‌خواهم تقاضا بکنم که نظر خودتان را در مورد آینده ی جنبش سبز هم یک مقداری بفرمائید . با توجه به سمت و سوئی که گرفته ، البته قابل پیشبینی و تشخیص قطعی که فکر نمی‌کنم باشد ولی آنچه که به نظر می‌رسد حد اقل می‌خواهد برود را بفرمائید ؟

همایون : جنبش سبز تا اینجا به مقدار زیادی از کاری که باید بکند را کرده ، یعنی حال و هوا و فضای سیاسی ایران را به کلی عوض کرده است ، گفتمان جامعه را یعنی بحث مسلط سیاسی جامعه را عوض کرده است . قابل برگشت نیست به گذشته ، شکاف میان دستگاه حکومتی و مردم را پر نکردنی کرده ، شکاف در درون خود دستگاه حکومت جمهوری اسلامی را به حدی رسانده است که آن هم دیگر پر شدنی نخواهد بود . این است که در آینده از هر چه بر بیاید جنبه ی اضافی دارد ، و البته بیش از اینها پیش خواهد رفت ، در این شک نیست ولی حتی فرض کنیم همینجا تمام بشود هم باز کار اصلی انجام گرفته . از این به بعد هوشیاری بیشتری لازم است و کار آگاهانه . تا کنون کار جنبش سبز ، جنبه ی خود انگیخته داشته ، حالا باید یک خرده بیشتر اندیشیده بشود ، یعنی در رشته‌های معینی تکیه بیشتر گذارده بشود ، یک عدّه ای کارهای معینی را دنبال بکنند . جنبه ی " خود انگیخته " به نظرم لغت خیلی خوبیست ، یعنی همینطوری چیزی پیش می‌آید و انجام می‌دهیم ، این دیگر دوره اش شاید تمام شده است و تشکیلات هم لازم ندارد این کار منظم با نقشه به اصطلاح . این است که حالا یک دوره کار منظم تر به نظرم شروع شده است که باید جنبش سبز از عهده اش بر بیاید

عالم زاده : از زمانی که به من دادید بی اندازه سپاسگزارم . گفتگوئی بود با آقای دکتر داریوش همایون از شهر استکهلم ، پایتخت کشور سوئد